



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعداد صلاة

اولین بحث در کتاب صلاة این است که صلاة به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می شود، فقهاء ما بعد از اثبات این مطلب به سراغ اعداد نمازهای واجب و مستحب رفته اند.

ما بحث را از کلام آیت الله العظمی بروجردی رحمة الله علیه شروع می کنیم که چندین سال در قم بحث صلاة را می گفتند، مباحث ایشان را مرحوم آیت الله شیخ علی صافی برادر بزرگتر آیت الله صافی گلپایگانی نوشته که در ۸ جلد به نام "تبیان الصلاة تقریراً لفخر الشیعة و مفخر الشریعة" چاپ شده، ایشان از اینجا شروع کرده که صلاة از اهم عبادات است و بعد از معرفت خداوند عملی مهم تر از صلاة در اسلام وجود ندارد، سپس فرمودند نماز در اسلام یک امر ابتکاری نبوده بلکه ماهیت نماز در ادیان قبل نیز وجود داشته: ﴿كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾^۱، در زبان فارسی نماز و در زبان عربی صلاة گفته می شود و این حقیقت شرعی است یعنی این لفظ را شارع مقدس برای این معنا و عمل با این شکل و شرایط خاص که اوله التکبیر و آخره التسلیم وضع کرده.

آقای بروجردی در ادامه به سراغ اعداد صلاة رفته و فرموده: «والفرض منها تسعة علی ما قاله العلامة

فی القواعد و بعض آخر، اولها الصلوات الیومیة، ثانیها صلاة الجمعة، ثالثها صلاة العیدین، رابعها صلاة الکسوفین، خامسها صلاة الزلزلة، سادسها صلاة الآیات، سابعها صلاة الطواف، ثامنها صلاة الاموات، تاسعها ما یلزمه بنذر و شبهه».

ایشان در ادامه بحثی را در مورد نماز میت که آیا نماز است یا دعا مطرح کرده.

محقق در شرایع نیز فرموده اعداد نمازهای واجب نه تا می باشد اما صاحب عروه فرموده شش تا می باشد به این بیان که: «فصل فی أعداد الفرائض و نوافلها الصلوات الواجبة ستة: الیومیة، ومنها الجمعة و الآیات، و الطواف الواجب، و الملتزم بنذر أو عهد أو یمین أو إجارة، و صلاة الوالدین علی الولد الأكبر، و صلاة الأموات»^۲.

آیت الله خوئی در جلد ۱۱ از مستند العروة که شرح بر عروة می باشد مانند صاحب عروه فرموده اعداد صلاة واجب شش تا می باشد.

بنده نوشته ام که آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی در صفحه ۳ از جلد ۱ از تقریراتی که بر درس علامه نائینی نوشته، دارد که اعداد صلاة واجب چهار تا می باشد؛ اول قضا که شامل ملتزم به اجاره و نذر و عهد امثال اینها می شود، دوم صلاة عیدین، صلاة آیات که باز این را وسیع می گیرد و کسوف و خسوف و امثال اینها را جزء همین حساب می کند و چهارم صلاة طواف، اما ایشان صلاة میت را دعا می داند نه نماز.

^۲ العروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، ج ۲، ص ۲۴۴، ط جماعة المدرسین.

^۱ سوره مریم، آیه ۳۱.

آن را صلاة به حساب آورده اند پس معلوم می شود که نماز است نه دعا، حالا همان اشکال قبلی پیش می آید که مثلاً شرایط طهارت از خبث و حدث و طهارت بدن و لباس و خواندن فاتحة الكتاب را ندارد، آیا لفظ صلاة مشترک معنوی است یا مشترک لفظی می باشد؟ که بماند برای بعد إن شاء الله تعالی .. .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

حاج آقا رضای همدانی نیز در مصباح الفقيه همین قول چهار عدد را اختیار کرده.

صاحب جواهر در صفحه ۱۱ از جلد ۷ طبع ۴۳ جلدی بعد از نقل اقوال میل به همین چهار عدد کرده.

یک بحث مهمی در اینجا در مورد نماز میت به نظر بنده می رسد که دیگران ندارند و آن اینکه آیا نماز میت نماز نیست بلکه دعاست یا اینکه نماز است؟ و اگر بگوئیم نماز است نماز را چطور باید معنا کنیم که هم شامل نماز میت و هم شامل نمازهای معمولی بشود؟ بالاخره از طرفی شارع مقدس فرموده "لا صلاة إلا بطهور" ولی خب نماز میت طهارت نیاز ندارد و حتی آدم جنب و حائض و یا با لباس و بدن نجس نیز می توانند نماز میت بخوانند یعنی طهارت خبثاً أو حدثاً در نماز میت شرط نیست، یا اینکه مثلاً شارع مقدس فرموده "لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب" که نماز میت این را ندارد، حالا ما اگر بگوئیم نماز میت نماز است با اینها چه کنیم و اگر بگوئیم نماز نیست و دعاست خب این شرائط اساسی نماز را ندارد، بنده بخاطر روشن شدن مطلب عرض می کنم که باید به سراغ احادیث اهل بیت عليهم السلام برویم و ببینیم آنها به نماز میت چه می گفتند، خب وقتی به روایات مراجعه می کنیم مثلاً در وسائل الشعية جلد ۲ صفحه ۷۶۲ ابواب صلاة الجنابة حدوداً ۴۰ باب منعقد شده، می بینیم که از اول در تمام ابواب مربوط به نماز میت اهل بیت عليهم السلام لفظ صلاة را به کار برده اند و